

جمهوری اسلامی تکدی‌گری کودکان را گسترش می‌دهد!

گزارشات گوناگون از شهرهای ایران، بخصوص تهران حاکی از این است که با آمدن فصل گرما و تعطیلی مدارس تعداد گدایان خردسال در خیابان‌های مرکزی و پرجمعیت افزایش چشم‌گیر یافته است. براساس این گزارشات، باندهای متعدد بطور سازمانیافته کودکان خردسال خانواده‌های تهیدست ساکن محلات حاشه‌ای و فقیرنشین شهر را جمع‌آوری و روزانه آنها را برای تکدی‌گری در مکان‌ها و نقاط مختلف خیابان‌ها مستقر می‌نمایند. برای این امر حتی کودکان ۴ - ۵ ساله مورد استفاده قرار می‌گیرند. این باندها با دادن آموزش‌های مخصوص صحنه‌آفرینی و شبیه‌سازی‌های احساس‌برانگیز به کودکان، آنها را آماده این کار می‌کنند. این کودکان بر اثر ارباب و ترس از برخوردهای خشن تمامی وجوه بدست آورده را در اختیار سرگروه می‌گذارند و سهم ناچیزی از آنها برداشت می‌نمایند. هم‌اکنون این رویه به منبع درآمدی برای آن دسته از گروه‌های مافیایی تبدیل شده است، که به نوعی با نهادهای مذهبی نزدیک و یا در ارتباط با سازمان‌های انتظامی و امنیتی هستند.

باتوجه به بیکاری، رکود تورم و عدم رشد اقتصادی کشور که نتیجه آن خانواده‌های کارگری و تهیدست را به ورطه فلاکت و سیه‌روزی کشانیده است و دامنه آن هرروز وسعت بیشتر می‌گیرد، افزایش تکدی‌گری کودکان نگرانی‌های اجتماعی فزاینده‌ای را به بار آورده است و بیم آن می‌رود که در آینده سرنوشت این کودکان به فساد پیوند خورده و راه هرگونه بازگشتی به روی آنها مسدود گردد.

بی‌مهری حکومت نسبت به کودکان

با بررسی‌هایی که در کشورهای "جهان سوم" به عمل آمده است و بخصوص کشورهایی نظیر ایران که نیروهای مذهبی و واپسگرا حاکمیت را به قبضه درآورده‌اند، حکومت‌ها در قبال سرنوشت کودکان همچون سرمایه انسانی با ارزش، بی‌تفاوت و بی‌اعتناء هستند. نگرش طالبان به کودکان بخصوص دختران ننگ بشریت است! و وضعیت کودکان کارگر قالیباف پاکستان تحت حکومت اسلامی و احزاب مذهبی چون «مسلم لیک» رقت‌بار است. در میان آنها جمهوری اسلامی براساس ایدئولوژی اسلامی‌اش سازمان‌یافته‌تر و منسجم‌تر علیه کودکان عمل کرده است و عملکردی بمراتب مضرت‌تر داشته است.

عملکرد اقتصادی رژیم که بی‌حقوقی صرف کارگران و تهیدستان را موجب گردیده، زمینه رشد زیستی، فکری و فرهنگی کودکان سه میلیون خانوار پرجمعیت ایرانی که در زیر خط فقر زندگی می‌کنند به مخاطره جدی انداخته است. در زمینه شخصیتی و روان‌فردی - اجتماعی و جایگاه تولیدی، جمهوری اسلامی الگویی از فرد اجتماعی ارائه می‌دهد، که با روحیه و سرشت انسان امروزی همخوان با نیاز جامعه صنعتی و مدرن و متناسب با تمنیات عقلانی،

بیگانه است.

از دیدگاه جمهوری اسلامی - برخلاف دیدگاه های متجدد و ترقی خواه - فرد اجتماعی مورد نظرش کسی است که براساس ماده ۱۲ قانون اساسی، اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش که کلیه متون آموزشی و محتوای درسی براساس این ماده قانونی تدوین و تدریس می شود، وجود مادی پیدا کرده باشد. این شخص یا الگو کسی است که باورهای دینی داشته باشد، روحیه تعبد و التزام عملی به احکام اسلام داشته باشد و مبانی اعتقادی و معنوی در او تقویت و تحکیم شده باشد و از طریق اصول و معارف و احکام دینی و سنت معصومین به تبیین و تعیین مسایل اجتماعی و زندگی بپردازد.

ارائه چنین تصویری از فرد به توسط یک حکومت که قاعداً باید مسئولیت کلیه مراحل تکامل جسمی، شخصیتی و اندیشه و فکر کودکان و نوجوانان را به عهده داشته باشد. این "مزیت" را دارد که اولاً در برابر زندگی و آینده جوانان و آماده سازی او برای ایفای نقش تولیدی از خود سلب وظیفه می نماید و در مقابل کاستی ها و پشت گوش انداختن تأمین حداقل زندگی مسئولیتی را متوجه خود نمی داند. ثانیاً بدون وا همه از هر بازخواستی جوانان را در دایره تقدیر و مشیت رها می کند، که سرنوشت شان به وسیله اسطراب حوادث قلم خورد. و اگر فرد اینگونه "صالح" شده در مسیر خطا و انحراف قرار گرفت! این دیگر جمهوری اسلامی نیست که خود را به عنوان مقصر و عامل فروپاشی و انهدام زندگی افراد مستوجب سرزنش بداند، بلکه مجری مخصوصی است که باید فرامین الهی را به اجراء گذارد و خطاکاران را بقویت رساند و کیفر نافرمانی را بر آنان جاری نماید، تا بدین وسیله همه سهل انگاری ها و بی توجهی ها به خود فرد منتسب شود و دولت به عنوان عامل اصلی تبرئه و مبری گردد.

رهبران جمهوری اسلامی اگر ذره ای از انسانیت و مدنیت بو برده بودند (که نبرده اند) می بایست در مقابل تکدی گری و دیگر مطالبی که بر کودکان ایران می رود، بلافاصله به بازبینی عملکرد بورژوازی خود می پرداختند و نحوه زندگی میلیون ها کارگر و زحمتکش را مورد توجه قرار داده و با تأمین کامل بیمه و خدمات اجتماعی و حتی پرداخت حق پاداش کودکانه، تحقق تأمین زندگی را برای خانواده های زیر خط فقر مقدور می گردانند. هزینه و تأمین منابع این امر زیاد و دشوار نیست! ایران در ظرف ۲۳ سال گذشته متجاوز از ۴۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی داشته است - دیگر منابع نیز از این مبلغ کمتر نبوده است - . اگر سهم اندکی از این درآمد بجای هزینه های تسلیحاتی و ریخت و پاش های دیوانی و اختلاس و برداشت های عباقرمزها و خاکستری پوش ها به امر تأمین خدمات اجتماعی برای خانواده های کم درآمد یا بدون درآمد اختصاص می یافت! امروز نه تنها یک کودک گدا در خیابان ها یافت نمی شد، بلکه هر دست دیگری که بسوی گدایی دراز است فرو می افتاد!

رشید رزاقی

به نقل از جهان امروز شماره ۶۵

